

ضرب المثل با حرف الف

- ۱- ادب از که آموختی از بی ادبان : بادیدن رفتار بی ادبان آن کارها را انجام ندادن.
- ۲- آب در هاون کوبیدن : کاریهوده انجام دادن .
- ۳- آتش کشک خاله ات رو بخوری پاته نخوری پاته : این کار را باید انجام دهی چه دلت بخواد چه دلت نخواد.
- ۴- آتش دهانسوزی نیست : بسیار مطلوب و محبوب نیست.
- ۵- آتیش بیار معرکه: بهم زنی می کند .
- ۶- آتیش زده به مالش : هر چی داشته بخشیده .
- ۷- آب از دستش نمی چکد : خیرش به کسی نمی رسد .
- ۸- آفتاب عمرش لب بومه : چیزی بمرگش نمانده .

۹- آسمون همه جاش یه رنگه: هر جا که باشی وضع همینه .

۱۰- از این ستون به آن ستون فرجی است : گذشت زمان ممکن است برای حل مشکل تو مؤثر واقع شود.

۱۱- آب از آهن جدا کردن: کار دشواری را انجام دادن .

۱۲- آب از دریا بخشیدن : از مال دیگران بخشیدن و منت نهادن

۱۳- آب برو ، نان برو تو هم به دنبالش برو: جمله ی توهین آمیزی است.

۱۴- اسب تازی گر ضعیف بود همچنان از طویله ی خربه انتقاد از بی اهمیت ها

۱۵- آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است :کسی که کارش درست است از حساب و کتاب ترسی ندارد.

۱۶- اندازه نگهدار کلو او شر بو او لا تسرفوا : پرخوری .

۱۷- ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز را دریابی : استفاده از اندک فرصت مانده

۱۸- آنروز که آواز بود فکر زمستان هم بود: به فکر آینده نبودن

۱۹- آب دریا به دهن سگ نجس نمی شود : پشت دیگران از کسی بدگویی کردن.

ضرب المثل با حرف ب

۱- بازبان خوش مار را از سوراخ بیرون می کشد:
باچرب زبانی کارهای خویش را پیش می برد .

۲- بزک نمیر بهارمیاد . خریزه با خیار می یاد: به کسی و عده های دور و رازدادن.

۳- بادمجان بم آفت نداره: مقاومت داشتن در برابر سختی ها

۴- با یک گل بهار نمیشه: با یک شخص درستکار دنیا درست نمی شود.

۵- با یه من عسل هم نمی شود خوردش: بد اخلاق بودن

۶- به دعای گربه ی سیاه ، بارون نمی باره: خشم خدا نسبت به افراد بدکار

۷- برای لای جزر دیوار خوبه: خیلی بی مصرف است.

۸- با یک تیر و دو نشون زدن: با انجام یک کار به چند نتیجه عالی رسیدن

۹- باد آورده را باد می برد: هر چیزی که آسان بدست می آید آسان هم از دست می رود.

۱۰- به در گفت دیوار بشنوه: غیر مستقیم حرف زدن

۱۱- به نطق آدمی بهتر است از دواب ، دواب از تو به گر
نگویی صواب : استفاده از سخنان خوب در حرف زدن

۱۲- با هر دست که دادی پس می گیری. پاداش حتمی
در مقابل هر خوبی

۱۳- بزرگی به عقل است نه به سال. در تقابل بین کارها
و سخنان خردمندانه ی خردسال با سخنان و کارهای
نابخردانه ی بزرگسال گفته می شود

۱۴- برای همه مادر است برای من زن بابا: با همه مهربان
است با من نا مهربان است.

۱۵- با ماه نشینی ، ماه شوی ، با دیگ نشینی سیاه
شوی: در تأثیر همنشینی گویند ، یعنی در اثر همنشینی
با بدان ، بد می شوی و با نیکان نیک.

۱۶- با پولها کباب بی پول ها دود کباب: شخص ثروتمند
از مواهب زندگی استفاده می کند و بینوا می بیند و
حسرت می کشد.

ضرب المثل با حرف پ

- ۱- پشت چشم نازک کردن: ناز آوردن
- ۲- پشت دست داغ کردن: تصمیم گرفتن برای انجام ندادن کاری.
- ۳- پا به دریا بگذاره دریا خشک می شود: بد شانس است.
- ۴- پرسیدن عیب نیست ، ندانستن عیب است: در مذمت نادانی
- ۵- پنجه با شیر انداختن و مشتش با شمشیر زدن کار خردمندان نیست: کار خطرناک کردن کار انسانهای عاقل نیست.
- ۶- پول که زیاد شد خانه تنگ می شود و زن زشت: ثروت زیاد ، انسان را به سرگرمی های ناپسند وای می

دارد.

۷- پی تقدیر رفتن از کوری است. در نکوهش سستی
وتنبلی ویا استفاده نکردن از عقل و فکر خود

۸- پشم در کلاه نداشتن. بی مایه بودن

۹- پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت نا
اهل را چون گردوگان بر گنبد است

۱۰- پرده هفت رنگ مگذار تو که در خانه بوریا داری:
قناعت.

۱۱- پولش از پار و بالا می ره: ثروت زیادی دارد.

۱۲- پشت دست را داغ کردن: تصمیم به انجام ندادن
کاری گرفتن.

۱۳- پایان شب سیه سپید است: مثل از پی هر گریه
آخر خنده ای است.

۱۴- پول علف خرس است: دارایی و مال را به هر کس که بخواهد نباید داد.

۱۵- پیاده شو با هم راه ببریم: در مورد کسی که خیلی مغرور و متکبر شده است.

ضرب المثل با حرف ت

۱- توبه گرگ مرگ است: کسی که دست از عادتش بر ندارد.

۲- تا تنور گرم است نان را بچسبان: کاملاً از فرصت استفاده کردن.

۳- تعارف او مد نیامد دارد: به کسی که تعارف می کنی ممکن قبول کنه ممکن نکنه.

۴- تیرش به سنگ می خوره: به هدفش نمی رسه.

۵- تیر توی تاریکی انداختن: با چشم بسته کاری رو انجام دادن.

۶- تافته جدا بافته بودن: خود را غیر از بقیه دانستن.

۷- تا توانی دلی بدست آور دل شکستن هنر نمی باشد

۸- تیشه به ریشه زدن: با پای خود به گور رفتن.

۹- توی هفت آسمون یک ستاره نداشتن: بد شانسی آوردن.

۱۰- تو را خواهند پرسید که عملت چیست نگویند پدرت کیست: باز خواست آخرت.

۱۱- ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی که این ره که تو می روی به ترکستان است

۱۲- تا مردم سخن نگفته باشد عیب و هزش نهفته باشد

۱۳- توانگری به قناعت به از توانگری به بضاعت: کسی

که قانع است قدرتمند است.

ضرب المثل با حرف ج

۱- جوجه را آخر پائیز می شمروند: نتیجه کار آخر معلوم می شود.

۲- جواب ابلهان خاموشیست: جواب نادانها را نباید داد.

۳- جانماز آب کشیدن: در ظاهر خود را خوب نشان دادن.

۴- جنگل مولا است: جماعتی نامناسب در جایی جمع شده اند.

۵- جواب دندان شکن: یعنی با منطق و حساب پاسخ دادن.

۶- جایی نمی خوابه که آب زیرش بره: برای افراد زیرک

گفته می شود.

۷- جایی رفت که عرب نی انداخت: کنایه از این است که بازگشتی ندارد.

۸- جنگ دو سردارد: یعنی پایان جنگ گاهی پیروزیست و گاهی شکست است.

۹- جاتره بچه نیست: چیزی وجود ندارد.

۱۰- جان کسی را به لب آوردن: زیادی منتظر شدن.

۱۱- جای که نمک خوردی نکمدان مشکن : در نکوهش خیانت به افرادی که در حق آدم خوبی کرده اند.

۱۲- جهان ای برادر نماند بر کس دل اندر جهان آفرین
بند و بس : دوری از دل بستن به دنیا (نزدیک شدن به خدا)

۱۳- جای سوزن انداختن نیست : شلوغی آن مکان

۱۴- جوانمردی که بخورد و بدهد به از عابری که نخورد و بنهد: جوانمردی که به دیگران کمک می کند بهتر از پارسایی است که نمی خورد و به دیگران هم کمک نمی کنند.

۱۵- جای شکرش باقی است.

ضرب المثل با حرف چ

۱- چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی: عاقل کاری را که پشیمانی به بار می آورد نمی کند.

۲- چو فردا شد فکر فردا کنیم: از حالا جوش فردا را نزنیم.

۳- چند تا پیراهن بیشتر پاره کرده: با تجربه تر است.

۴- چغندر به هرات زیره به کرمون: هر چیزی به جای خودش.

۵- چیزی که عوض داره گله نداره: این کار به آن کار در.

۶- چاقو دسته خودش را نمی بره: خویشان و بستگان برای همدیگر ناراحتی تولید نمی کنند.

۷- چیزی بارش نیست: ساده لوح بودن.

۸- چیزی که از خدا پنهان نیست از بنده چه پنهان: جای مخفی کردن چیزی نیست.

۹- چشم بسته غیب می گوید: به کسی گفته می شود که از موضوع روشن و واضح خبر می دهد.

۱۰- چشمش آلبالو گیلان می چینه: چیزی را به طور درست نمی بیند.

۱۱- چه خوش گفت آن تهی دست سلحشور جوی زر بهتر از پنجاه من روز.

۱۲- چو آید زپی دشمن جان شان بیند و اجل پای اسب

۱۳- چوب به لانه زنبور کردن: کارهای خطرناک انجام دادن

۱۴- چو انداختن: جال و جنجال را انداختن.

۱۵- چو کردی با کلوخ انداز پیکار سر خود را به نالای شکستی.

ضرب المثل با حرف ح

۱- حساب حساب، کاکابرادر: مثل، برادریمان سر جاش بزغاله یکی هفت صنار.

۲- حرف راست را باید از بچه شنید: صحبت درست را که کودک می گوید، صحیح است.

۳- حسود هرگز نیاسود: از بخل و کینه به جایی نمی

رسد.

۴- حق به حقدار می رسد: کار شایسته سزای آدم دستکار است.

۵- حرفهای گنده تر از دهنش می زنه: سخنان نامناسب زدن

۶- حالا که ماست نشد شیر بده: مقصودی معین ندارد.

۷- حاجی ، حاجی را در مکه می بیند: وقتی کسی وعده ای می دهد و می رود و مدتی از او خبری نمی شود چون او را می بینند چنین می گویند.

۸- حسود از نعمت حق بخیل است و بنده بی گناه را دشمن می داند: حسادت.

۹- حال در ماندگان کسی داند که به اصول خویش در ما ند: دردمندی.

۱۰- حادثه خبر نمی کند: اتفاقات پیش از آنکه بفهمیم

روی می دهد.

۱۱- حلوا حلوا دهن شیرین نمی شه: با زدن حرف حلوا بدان که دهانت شیرین نمی شود.

۱۲- حسنی به مکتب نمی رفت وقتی می رفت جمعه می رفت: کار را بی موقع انجام دادن.

۱۳- حرف حساب جواب نداره: درست گفتن مسئله ای درباره حق کسی.

۱۴- حرف حق تلخه: درست گفتن هر حرفی را گویند.

ضرب المثل با حرف خ

۱- خرما از کرگی هم نداشت: بدشانس بودن.

۲- خودم کردم که لعنت بر خودم باد: مانند از ماست که بر ماست

۳- خانه به دوش: بی خانه بودن.

۴- خرتب می کنه: در فصل تابستان کسی که لباس گرم بپوشد.

۵- خر بیار و باقالی بار کن: در موردی گفته می شود که آشوب و معرکه بر سر موضوعی باشد.

۶- خدا از دهنش بشنوه: کاش همان شود که شما گفتین.

۷- خواب زن چپ می زند: در موری گفته می شود که خواب به تعبیرش خود باشد و بالعکس.

۸- خود را به موش مردگی زدن: در مورد کسی گفته می شود که در انجام کاری سستی می کند

۹- خوردن برای زیستن و دگر کردن است تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است

۱۰- خران و گاوان کار بردار به ز آدمیان مردم آزار

۱۱- خر که کمتر نهر بر وی بار بی شک آسوده تر کند
رفتار

۱۲- خواب نوشین بامداد رحیل میل باز دارد سپاه از
سبیل عاقبت بد خواب زیاد

۱۳- خاموشی ، به که جواب سخت.

ضرب المثل با حرف د

۱- دیگ به دیگ می گه روت سیاه: کسی که عیب دارد
به دیگران طعنه می زند.

۲- در نا امیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید
است

۳- دل به دریا زدن: ریسک کردن.

۴- دل به دل راه داره: خبر داشتن از دوستی طرف

۵- در دوازه رو می شه بست ولی در دهان مردم را نمی شود بست: هر کاری بکنی مردم درباره ات حرف می زنند.

۶- دودو تا چهار تا: چیزی که واضح است.

۷- دشمن دانا به از دوست نادان: دانایی و فهمیدگی گرچه در دوست باشد، خوب است.

۸- دیوار موش داره موشم گوش داره: حرف به گوش بقیه می رسد.

۹- در کار نکو حاجت هیچ استخاره نیست: در انجام دادن کار خوب فکر و تأمل کردن جایز نیست.

۱۰- دود از کنده بلند می شه: با تجربه بودن افراد مسن

۱۱- درخت هرچه بارش بیشتر می شود سر فروتر می رود. در ستایش فروتنی افراد دارای مقام و یا ثروت

۱۲- دروغی مصلحت آمیز به که داشتی فتنه انگیز

۱۳- دوست شمار آنکه در نعمت زند لاف یاری و برادر
خواندگی

۱۴- دشمن آن به که نیکی بینند : نیکوکاری حتی در حق
دشمنان.

۱۵- داشتم فایده نداره از داریم بگو: از آنچه داشتی
نگو بگو اکنون چه داری.

ضرب المثل با حرف ر

۱- ریگ تو کفششه: منظور داشتن نقشه ی بدی در فکر

۲- روکه نیست سنگ پای قزوینه: پررو بودن.

۳- رفتم ثواب کنم کباب شدم: در برابر خوبی ، بدی

دیدم.

۴- راه باز است و جاده دراز: کسی برای رفتن مانع نمی شود.

۵- روده بزرگه ، روده کوچکه رو خورد: وقتی که انسان خیلی گرسنه باشد.

۶- رنگش مثل گچ سفید شد: منظور کسی است که از چیزی ترسیده و رنگش پریده باشد.

۷- رفتن و نشستن به که دویدن و گسستن: آرامش.

۸- روده تنگ به یک نان تهی پر گردد نعمت روی زمین
پر نکند و بهره ننگ : قناعت

۹- رگ خواب کسی را به دست آورن. پیدا کردن نقطه
ی ضعف کسی

۱۰- ریش در دست دیگران داشتن. اختیار در دست خود
نداشتن

۱۱- رفت که ریش در بیاورد ، سبیلش را هم باخت:
خواست وضع بهتری پیدا کند ، آنچه داشت از دست داد.

ضرب المثل با حرف ز

۱- ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا: هنگامی گفته می شود که تعارف بی فایده و باعث رنجش دیگران می شود .

۲- زدیم و نگرفت : کسی که خود را به خطر بیاندازد و نتیجه ای نداشته باشد .

۳- زبانم مو در آورد : وقتی که کسی زیاد توضیح دهد و نتیجه نداشته باشد .

۴- زیر آب کسی را زدن : کسی را نزد دیگری بی اعتبار کردن

۵- زیر کاسه ، نیم کاسه است : یعنی فریب و حقه ای در کار است .

۶- زردآلو را می خورد برای هسته اش: هر کاری را برای نتیجه اش انجام می دهد.

۷- زن به در سرای مرد نکو هم درین عالم است دوزخ او تأثیرخوب همیشنی با افراد نیکوکار

۸- زیر رنج بود گنج های پنهانی : نتیجه دادن زحمات

ضرب المثل با حرف س

۱- سری که درد نمی کند دستمال نمی بندند : وقتی احتیاج به کاری نیست دنبال کار اضافی نرو.

۲- سیب دو نیمه : کنایه از شباهت .

۳- سرش به تنش زیادی کرده است : از جانش سیر شده است.

۴- سکوت نشانه ی رضایت است : وقتی کسی ساکت است رضایتش را نشان می دهد.

۵- سرش به تنش می ارزد : ارزش احترام گذاشتن را دارد.

۶- سگ زرد برادر شغال است : یعنی در یک جنسند .

۷- سبیلش را چرب کردن : یعنی به کسی رشوه دادن.

۸- سر پیری و معرکه گیری : در مورد کسانی است که زمان پیری کار جوانان را انجام می دهند .

۹- سالی که نکوست از بهارش پیداست : مواقعی گفته می شود که کاری بر وفق مراد باشد.

۱۰- سیر به پیاز میگو پیف پیف چقدر بو می دی : کنایه به کسی است که خود پر از عیب و اشکال است ولی

عیب کوچک دیگران را بزرگ جلوه دهد.

۱۱- سه چیز پایداری نماند مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست : سه چیز استوار نمی ماند مال که خرید و فروش نشود و علمی که مشورت در آن نباشد و پادشاه بی سیاست.
ضرب المثل با حرف الف

۱- ادب از که آموختی از بی ادبان : بادیدن رفتار بی ادبان آن کارها را انجام ندادن.

۲- آب در هاون کوبیدن : کاریهوده انجام دادن .

۳- آتش کشک خاله ات رو بخوری پاته نخوری پاته : این کار را باید انجام دهی چه دلت بخواد چه دلت نخواد.

۴- آتش دهانسوزی نیست : بسیار مطلوب و محبوب نیست.

۵- آتیش بیار معرکه: بهم زنی می کند .

۶- آتیش زده به مالش : هر چی داشته بخشیده .

۷- آب از دستش نمی چکد : خیرش به کسی نمی رسد .

۸- آفتاب عمرش لب بومه : چیزی بمرگش نمانده .

۹- آسمون همه جاش یه رنگه: هر جا که باشی وضع
همینه .

۱۰- از این ستون به آن ستون فرجی است : گذشت
زمان ممکن است برای حل مشکل تو مؤثر واقع شود.

۱۱- آب از آهن جدا کردن: کار دشواری را انجام دادن .

۱۲- آب از دریا بخشیدن : از مال دیگران بخشیدن و
منت نهادن

۱۳- آب برو ، نان برو تو هم به دنبالش برو: جمله ی
توهین آمیزی است.

۱۴- اسب تازی گر ضعیف بود همچنان از طویله ی خربه

انتقاد از بی اهمیت ها

۱۵- آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک
است: کسی که کارش درست است از حساب و کتاب
ترسی ندارد.

۱۶- اندازه نگهدار کلو اوشر بو او لا تسرفوا: پرخوری.

۱۷- ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز را
دریابی: استفاده از اندک فرصت مانده

۱۸- آنروز که آواز بود فکر زمستان هم بود: به فکر
آینده نبودن

۱۹- آب دریا به دهن سگ نجس نمی شود: پشت
دیگران از کسی بدگویی کردن.

ضرب المثل با حرف ب

۱- بازبان خوش مار را از سوراخ بیرون می کشد:
باچرب زبانی کارهای خویش راپیش می برد .

۲- بزک نمیر بهارمیاد . خریزه با خیار می یاد: به کسی و
عده های دور و رازدادن.

۳- بادمجان بم آفت نداره: مقاومت داشتن در برابر
سختی ها

۴- با یک گل بهار نمیشه: با یک شخص درستکار دنیا
درست نمی شود.

۵- با یه من عسل هم نمی شود خوردش: بد اخلاق بودن

۶- به دعای گریه ی سیاه ، بارون نمی باره: خشم خدا
نسبت به افراد بدکار

۷- برای لای جزر دیوار خوبه: خیلی بی مصرف است.

۸- با یک تیر و دو نشون زدن: با انجام یک کار به چند
نتیجه عالی رسیدن

۹- باد آورده را باد می برد: هر چیزی که آسان بدست می آید آسان هم از دست می رود.

۱۰- به در گفت دیوار بشنوه: غیر مستقیم حرف زدن

۱۱- به نطق آدمی بهتر است از دواب ، دواب از تو به گر نگویی صواب : استفاده از سخنان خوب در حرف زدن

۱۲- با هر دست که دادی پس می گیری. پاداش حتمی در مقابل هر خوبی

۱۳- بزرگی به عقل است نه به سال. در تقابل بین کارها و سخنان خردمندانه ی خردسال با سخنان و کارهای نابخردانه ی بزرگسال گفته می شود

۱۴- برای همه مادر است برای من زن بابا: با همه مهربان است با من نا مهربان است.

۱۵- با ماه نشینی ، ماه شوی ، با دیگ نشینی سیاه شوی: در تأثیر همنشینی گویند ، یعنی در اثر همنشینی

با بدان ، بد می شوی و با نیکان نیک.

۱۶- با پولها کباب بی پول ها دود کباب: شخص ثروتمند از مواهب زندگی استفاده می کند و بینوا می بیند و حسرت می کشد.

ضرب المثل با حرف پ

۱- پشت چشم نازک کردن: ناز آوردن

۲- پشت دست داغ کردن: تصمیم گرفتن برای انجام ندادن کاری.

۳- پا به دریا بگذاره دریا خشک می شود: بد شانس است.

۴- پرسیدن عیب نیست ، ندانستن عیب است: در مذمت نادانی

۵- پنجه با شیر انداختن و مشتش با شمشیر زدن کار خردمندان نیست: کار خطرناک کردن کار انسانهای عاقل نیست.

۶- پول که زیاد شد خانه تنگ می شود و زن زشت: ثروت زیاد، انسان را به سرگرمی های ناپسند و ا می دارد.

۷- پی تقدیر رفتن از کوری است. در نكوهش سستی و تنبلی و یا استفاده نکردن از عقل و فکر خود

۸- پشم در کلاه نداشتن. بی مایه بودن

۹- پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت نا اهل را چون گردوگان بر گنبد است

۱۰- پرده هفت رنگ مگذار تو که در خانه بوریا داری: قناعت.

۱۱- پولش از پار و بالا می ره: ثروت زیادی دارد.

۱۲- پشت دست را داغ کردن: تصمیم به انجام ندادن کاری گرفتن.

۱۳- پایان شب سیه سپید است: مثل از پی هر گریه آخر خنده ای است.

۱۴- پول علف خرس است: دارایی و مال را به هر کس که بخواهد نباید داد.

۱۵- پیاده شو با هم راه ببریم: در مورد کسی که خیلی مغرور و متکبر شده است.

ضرب المثل با حرف ت

۱- توبه گرگ مرگ است: کسی که دست از عادتش بر ندارد.

۲- تا تنور گرم است نان را بچسبان: کاملاً از فرصت استفاده کردن.

۳- تعارف او مد نیامد دارد: به کسی که تعارف می کنی ممکن قبول کنه ممکن نکنه.

۴- تیرش به سنگ می خوره: به هدفش نمی رسه.

۵- تیر توی تاریکی انداختن: با چشم بسته کاری رو انجام دادن.

۶- تافته جدا بافته بودن: خود را غیر از بقیه دانستن.

۷- تا توانی دلی بدست آور دل شکستن هنر نمی باشد

۸- تیشه به ریشه زدن: با پای خود به گور رفتن.

۹- توی هفت آسمون یک ستاره نداشتن: بد شانسی آوردن.

۱۰- تو را خواهند پرسید که عملت چیست نگویند پدرت کیست: باز خواست آخرت.

۱۱- ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی که این ره که تو می
روی به ترکستان است

۱۲- تا مردم سخن نگفته باشد عیب و هزش نهفته باشد

۱۳- توانگری به قناعت به از توانگری به بضاعت: کسی
که قانع است قدرتمند است.

ضرب المثل با حرف ج

۱- جوجه را آخر پائیز می شمروند: نتیجه کار آخر معلوم
می شود.

۲- جواب ابلهان خاموشیست: جواب نادانها را نباید داد.

۳- جانماز آب کشیدن: در ظاهر خود را خوب نشان
دادن.

۴- جنگل مولا است: جماعتی نامناسب در جایی جمع

شده اند.

۵- جواب دندان شکن: یعنی با منطق و حساب پاسخ دادن.

۶- جایی نمی خوابه که آب زیرش بره: برای افراد زیرک گفته می شود.

۷- جایی رفت که عرب نی انداخت: کنایه از این است که بازگشتی ندارد.

۸- جنگ دو سردارد: یعنی پایان جنگ گاهی پیروزیست و گاهی شکست است.

۹- جاتره بچه نیست: چیزی وجود ندارد.

۱۰- جان کسی را به لب آوردن: زیادی منتظر شدن.

۱۱- جای که نمک خوردی نکمدان مشکن: در نکوهش خیانت به افرادی که در حق آدم خوبی کرده اند.

۱۲- جهان ای برادر نماند بر کس دل اندر جهان آفرین
بند و بس : دوری از دل بستن به دنیا (نزدیک شدن به
خدا)

۱۳- جای سوزن انداختن نیست : شلوغی آن مکان

۱۴- جوانمردی که بخورد و بدهد به از عابری که نخورد
و بنهد: جوانمردی که به دیگران کمک می کند بهتر از
پارسایی است که نمی خورد و به دیگران هم کمک نمی
کنند.

۱۵- جای شکرش باقی است.

ضرب المثل با حرف چ

۱- چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی: عاقل کاری
را که پشیمانی به بار می آورد نمی کند.

۲- چو فردا شد فکر فردا کنیم: از حالا جوش فردا را

نزنیم.

- ۳- چند تا پیراهن بیشتر پاره کرده: با تجربه تر است.
- ۴- چغندر به هرات زیره به کرمون: هر چیزی به جای خودش.
- ۵- چیزی که عوض داره گله نداره: این کار به آن کار در.
- ۶- چاقو دسته خودش را نمی بره: خویشان و بستگان برای همدیگر ناراحتی تولید نمی کنند.
- ۷- چیزی بارش نیست: ساده لوح بودن.
- ۸- چیزی که از خدا پنهان نیست از بنده چه پنهان: جای مخفی کردن چیزی نیست.
- ۹- چشم بسته غیب می گوید: به کسی گفته می شود که از موضوع روشن و واضح خبر می دهد.
- ۱۰- چشمش آبالو گیلاس می چینه: چیزی را به طور

درست نمی بیند.

۱۱- چه خوش گفت آن تهی دست سلحشور جوی زر
بهرتر از پنجاه من روز.

۱۲- چو آید زی دشمن جان شان بیند و اجل پای اسب
دوان

۱۳- چوب به لانه زنبور کردن: کارهای خطرناک انجام
دادن

۱۴- چو انداختن: جال و جنجال را انداختن.

۱۵- چو کردی با کلوخ انداز پیکار سر خود را به نالای
شکستی.

ضرب المثل با حرف ح

۱- حساب حساب ، کاکابرادر: مثل ، برادریمان سر جاش

بزغاله یکی هفت صنار.

۲- حرف راست را باید از بچه شنید: صحبت درست را که کودک می گوید ، صحیح است.

۳- حسود هرگز نیاسود: از بخل و کینه به جایی نمی رسد.

۴- حق به حقدار می رسد: کار شایسته سزای آدم دستکار است.

۵- حرفهای گنده تر از دهنش می زنه: سخنان نامناسب زدن

۶- حالا که ماست نشد شیر بده: مقصودی معین ندارد.

۷- حاجی ، حاجی را در مکه می بیند: وقتی کسی وعده ای می دهد و می رود و مدتی از او خبری نمی شود چون او را می بینند چنین می گویند.

۸- حسود از نعمت حق بخیل است و بنده بی گناه را

دشمن می داند: حسادت.

۹- حال در ماندگان کسی داند که به اصول خویش در
ما ند: دردمندی.

۱۰- حادثه خبر نمی کند: اتفاقات پیش از آنکه بفهمیم
روی می دهد.

۱۱- حلوا حلوا دهن شیرین نمی شه: با زدن حرف حلوا
بدان که دهانت شیرین نمی شود.

۱۲- حسنی به مکتب نمی رفت وقتی می رفت جمعه
می رفت: کار را بی موقع انجام دادن.

۱۳- حرف حساب جواب نداره: درست گفتن مسئله ای
درباره حق کسی.

۱۴- حرف حق تلخه: درست گفتن هر حرفی را گویند.

ضرب المثل با حرف خ

- ۱- خرما از کرگی هم نداشت: بدشانس بودن.
- ۲- خودم کردم که لعنت بر خودم باد: مانند از ماست که بر ماست
- ۳- خانه به دوش: بی خانه بودن.
- ۴- خرتب می کنه: در فصل تابستان کسی که لباس گرم بپوشد.
- ۵- خر بیار و باقالی بار کن: در موردی گفته می شود که آشوب و معرکه بر سر موضوعی باشد.
- ۶- خدا از دهنش بشنوه: کاش همان شود که شما گفتین.
- ۷- خواب زن چپ می زند: در موری گفته می شود که خواب به تعبیرش خود باشد و بالعکس.
- ۸- خود را به موش مردگی زدن: در مورد کسی گفته

می شود که در انجام کاری سستی می کند

۹- خوردن برای زیستن و دگر کردن است تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است

۱۰- خران و گاوان کار بردار به ز آدمیان مردم آزار

۱۱- خر که کمتر نهر بر وی بار بی شک آسوده تر کند رفتار

۱۲- خواب نوشین بامداد رحیل میل باز دارد سپاه از سبیل عاقبت بد خواب زیاد

۱۳- خاموشی ، به که جواب سخت.

ضرب المثل با حرف د

۱- دیگ به دیگ می گه روت سیاه: کسی که عیب دارد به دیگران طعنه می زند.

۲- در نا امیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

۳- دل به دریا زدن: ریسک کردن.

۴- دل به دل راه داره: خبر داشتن از دوستی طرف

۵- در دوازه رو می شه بست ولی در دهان مردم را نمی شود بست: هر کاری بکنی مردم درباره ات حرف می زنند.

۶- دودو تا چهار تا: چیزی که واضح است.

۷- دشمن دانا به از دوست نادان: دانایی و فهمیدگی گرچه در دوست باشد ، خوب است.

۸- دیوار موش داره موشم گوش داره: حرف به گوش بقیه می رسد.

۹- در کار نکو حاجت هیچ استخاره نیست: در انجام

دادن کار خوب فکر و تأمل کردن جایز نیست.

۱۰- دود از کنده بلند می شه: با تجربه بودن افراد مسن

۱۱- درخت هرچه بارش بیشتر می شود سر فروتر می رود. در ستایش فروتنی افراد دارای مقام و یا ثروت

۱۲- دروغی مصلحت آمیز به که داشتی فتنه انگیز

۱۳- دوست شمار آنکه در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی

۱۴- دشمن آن به که نیکی بینند : نیکوکاری حتی در حق دشمنان.

۱۵- داشتم فایده نداره از داریم بگو: از آنچه داشتی نگو بگو اکنون چه داری.

ضرب المثل با حرف ر

۱- ریگ تو کفششه: منظور داشتن نقشه ی بدی در فکر

۲- روکه نیست سنگ پای قزوینه: پررو بودن.

۳- رفتم ثواب کنم کباب شدم: در برابر خوبی ، بدی دیدم.

۴- راه باز است و جاده دراز: کسی برای رفتن مانع نمی شود.

۵- روده بزرگه ، روده کوچکه رو خورد: وقتی که انسان خیلی گرسنه باشد.

۶- رنگش مثل گچ سفید شد: منظور کسی است که از چیزی ترسیده و رنگش پریده باشد.

۷- رفتن و نشستن به که دویدن و گسستن: آرامش.

۸- روده تنگ به یک نان تهی پر گردد نعمت روی زمین
پر نکند و بهره ننگ : قناعت

۹- رگ خواب کسی را به دست آوردن. پیدا کردن نقطه
ی ضعف کسی

۱۰- ریش در دست دیگران داشتن. اختیار در دست خود
نداشتن

۱۱- رفت که ریش در بیاورد ، سبیلش را هم باخت:
خواست وضع بهتری پیدا کند ، آنچه داشت از دست
داد.

ضرب المثل با حرف ز

۱- ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا: هنگامی گفته می
شود که تعارف بی فایده و باعث رنجش دیگران می
شود .

۲- زدیم و نگرفت : کسی که خود را به خطر بیاندازد و
نتیجه ای نداشته باشد .

۳- زبانم مو در آورد : وقتی که کسی زیاد توضیح دهد و نتیجه نداشته باشد .

۴- زیر آب کسی را زدن : کسی را نزد دیگری بی اعتبار کردن

۵- زیر کاسه ، نیم کاسه است : یعنی فریب و حقه ای در کار است .

۶- زردآلو را می خورد برای هسته اش: هر کاری را برای نتیجه اش انجام می دهد.

۷- زن به در سرای مرد نکو هم درین عالم است دوزخ او تأثیرخوب همینیشنی با افراد نیکوکار

۸- زیر رنج بود گنج های پنهانی : نتیجه دادن زحمات

ضرب المثل با حرف س

۱- سری که درد نمی کند دستمال نمی بندند : وقتی
احتیاج به کاری نیست دنبال کار اضافی نرو.

۲- سیب دو نیمه : کنایه از شباهت .

۳- سرش به تنش زیادی کرده است : از جانش سیر
شده است.

۴- سکوت نشانه ی رضایت است : وقتی کسی ساکت
است رضایتش را نشان می دهد.

۵- سرش به تنش می ارزد : ارزش احترام گذاشتن را
دارد.

۶- سگ زرد برادر شغال است : یعنی در یک جنسند .

۷- سبیلش را چرب کردن : یعنی به کسی رشوه دادن.

۸- سر پیری و معرکه گیری : در مورد کسانی است که
زمان پیری کار جوانان را انجام می دهند .

۹- سالی که نکوست از بهارش پیداست : واقعی گفته می شود که کاری بر وفق مراد باشد.

۱۰- سیر به پیاز میگه پیف پیف چقدر بو می دی : کنایه به کسی است که خود پر از عیب و اشکال است ولی عیب کوچک دیگران را بزرگ جلوه دهد.

۱۱- سه چیز پایداری نماند مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست : سه چیز استوار نمی ماند مال که خرید و فروش نشود و علمی که مشورت در آن نباشد و پادشاه بی سیاست.
. آب از دستش نمی چکد

این مثل در مورد افراد بسیار خسیس استفاده می شود.



۲. آب پاکی را روی دستش ریخت

یعنی ناامید کردن کسی



ضرب المثل های فارسی و معروف ایرانی ♣️ ♣️ ♣️
♣️ ♣️ ♣️

۳. از کوزه همان برون تراود که در اوست

گفتار و رفتار هر کس بر اساس ذات و درونیات اوست.



۴. از ماست که بر ماست

در موردی گفته می‌شود که شخصی از نزدیکان خود
آسیب ببیند.



۱۱. اون وقت که جیک جیک مستونت بود، یاد
زمستونت نبود؟

یعنی آن موقع که باید خودت را برای روزهای سخت
آماده بکنی، به بی خیالی و خوش گذرانی مشغول
بودی.



۱۲. به قاطر گفتند: بابات کیه؟ گفت: آقا داییم اسبه.

در مورد اشخاصی گفته می شود که می خواهند با
پارتی بازی و به واسطه اقوام خود به جایی برسند.



۱۳. چاه کن همیشه ته چاه است

یعنی کسی که توطئه می‌کند تا دیگران را به دردسر بیندازد، خودش دچار دردسر و گرفتاری می‌شود.

۱۸. در دروازه را می‌توان بست؛ ولی دهان مردم را نمی‌توان بست.

این ضرب‌المثل درباره حرف مردم است که هیچ‌گاه تمام نمی‌شود.



۱۹. دو قورت و نیمش باقیه.

داستان این مثل از این قرار است که روزی حضرت سلیمان تمام حیوانات و پرندگان را به قصر خود دعوت کرد. سپس سفره‌ای پهن کرد و انواع غذاها به مقدار بسیار بر سفره نهاد. پیش از همه نهنگی سر از آب بیرون کرد و از سلیمان غذا خواست. به امر سلیمان لقمه‌ای در دهانش افکندند، بلعید و باز از سلیمان غذا خواست تا آن که تمام غذا را در دهانش ریختند و او بلعید ولی باز طالب غذا بود. سلیمان از خوراک آن حیوان تعجب کرد و از او پرسید: خوراک تو در هر روز چه قدر است. نهنگ گفت: روزی «سه قورت» و تمام این غذاها که به من دادید نیم قورت بود و هنوز دو قورت و نیمم باقیست.

۲۱. عروس که مادر شوهر نداره، اهل محل مادر شوهرشند.

یعنی اهل محل و همسایه‌ها در کار عروس تازه دخالت می‌کنند.



۲۲. فقیر در جهنم نشستہ.

یعنی ہر چہ از دست انسان فقیر برود، می گوید: بہ
جهنم.



۳۵. گریه را دم حجله باید کشت.

یعنی از آغاز هرکاری باید مواظب سوء استفاده دیگران بود.



۳۶. گریه رقصانی کردن

یعنی اشکال تراشی کردن، امروز و فردا کردن، بازی در آوردن.



۳۷. گرگ در لباس میش

یعنی به ظاهر نیکوکار و مصلح ولی در باطن فاسد و
ریاکار.



۳۸. گرگ دهن آلوده و یوسف ندیده

بدون گناه گرفتار عقوبت شدن. نظیر: آش نخورده و
دهن سوخته.



۳۹. گرگ و میش از یک جا می‌خورند.

این ضرب المثل درباره جایی به کار می‌رود که عدالت و امنیت برقرار است و کسی به دیگری آزار نمی‌رساند.



۴۰. گفتند خرس تخم می‌گذارد و یا بچه می‌کند؟ گفت از این دم‌بریده هرچه بگویی بر می‌آید.

از دست آدم رند و همه فن حریف هرکاری بر می‌آید



۴۱. گنجشک امسالی گنجشک پارسالی را قبول ندارد.

یعنی فردی چیزی نیاموخته و می‌خواهد به شخص با تجربه‌ای آموزش بدهد. نظیر: غوره نشده، مویز شده.

۴۲. گنجشک روزی بودن

یعنی فردی بسیار فقیر

۲۳. فیل زنده و مرده‌اش صد تومان است.

یعنی ارج و قیمت شخص نیکوکار در هنگام زندگی و پس از مرگ او به یک میزان است.

۲۴. فیل و فنجان!

یعنی دو چیز که از لحاظ شکل و قیافه قابل قیاس نیستند.

۲۵. فیلش یاد هندوستان کرده!

یعنی شخصی به یاد روزگار خوش گذشته افتاده است.

۲۶. قسَم حضرت عباس را باورکنم یا دم خروس را؟

یعنی چیزی را که می‌گویی دروغ است و دروغ تو
کاملاً مشخص است.

۲۷. کاه پیش سگ واستخوان پیش خر نهادن

کاری را بر خلاف عرف و وارونه انجام دادن.

۲۸. کبکش خروس می خواند.

شاد و سرحال است .

۲۹. کسی که خر را بالا ببرد، پایین هم می‌تواند بیاورد.

یعنی سر رشته هر کاری در دست ابداع کننده آن است.

۳۰. کلاغ سر لانه خودش قارقار نمی‌کند.

به خویشان و نزدیکان ناسزاگویی شایسته نیست.
نظیر: فحش به فامیل تف سر بالاست.

۳۱. کلاغه می‌گه از وقتی بچه‌دار شدم، یه شکم سیر به خود ندیدم.

یعنی والدین مجبورند خود را وقف فرزندان خود کنند.

۳۲. گاو نه من شیر ده

این ضرب‌المثل درباره کسی به کار می‌رود که با حرف یا حرکت ناشایستی همه نیکی‌ها را که در مقابل افراد انجام داده، بی‌اثر و ضایع کند.

۳۳. گریه برای رضای خدا موش نمی‌گیرد.

هیچ‌کس بدون دریافت اجرت کاری نمی‌کند، تلاش و زحمت هر کس برای کسب سود است.

۳۴. گریه به دنبه افتاد سگ به شکمبه افتاد

درباره کسی که پرخور و شکم‌وست به کار می‌رود.

۲۰. سوزن همه را می‌پوشاند؛ اما خودش لخت است.

این مثل درباره انسان‌های بخشنده‌ای به کار می‌رود که به فکر دیگران هستند و اغلب از خودشان غافل می‌مانند.

۱۴. چه خوشه میوه فروشی، کس نخره خودت بنوشی.

این مثل را درباره خوراکی فروشان به طنز و طعنه به کار می‌برند.

۱۵. خدا به آدم گدا، نه عزا بده و نه عروسی

یعنی هر چیزی آدم فقیر را دچار زحمت می‌کند.

۱۶. خر را که به عروسی می‌برند برای خوشی نیست،
برای آبکشی است.

در موردی گفته می‌شود که فردی زحمتکش را به
جشنی دعوت می‌کنند ظاهراً او مهمان است ولی در
اصل او را برای خدمت کردن دعوت کرده‌اند.

۱۷. خودشو نمی‌تونه نگه داره چه طور منو نگه می‌داره؟

داستان این ضرب المثل به این صورت است که بر سفره کریم خان زند، لرزانک (چیزی شبیه به ژله) گذاشته بودند. یکی از نزدیکان گفت: میل بفرمایید. خیلی قوت دارد. کریم خان گفت: این که می‌لرزد. چیزی که خودش را نمی‌تواند نگه دارد، چه طور مرا نگه می‌دارد؟

۵. آستین نو بخور پلو

در موردی گفته می‌شود که افراد نادان را در لباس کهنه تحویل نمی‌گیرند و نادانان ظاهرساز را بر صدر می‌نشانند.

۶. آسه برو آسه بیا که گربه شاخت نزند

یعنی برای آن که آسیبی متوجه تو نشود، نباید جلوی چشم دیگران عرض اندام کنی.

۷. آشپز که دوتا شد، آش یا شور می‌شه یا بی‌نمک

یعنی وقتی قرار باشد دو نفر در کاری شریک شوند،

حتما آن کار را خراب می کنند. (درست انجام ندادن
وظیفه در کار گروهی)

۸. آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی

وقتی در جور کردن مقدمات کاری افراط کنند ولی
خود کار را به درستی انجام ندهند.

۹. اگر دعای بچه ها اثر داشت، یک معلم زنده نمی ماند.

این ضرب المثل را وقتی به کار می‌برند که کسی درباره تأثیر دعای فرزندان چیزی بگوید.

۱۰. آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟

یعنی کسی که به دیگران خیانتی نکرده است، با این که بخواهند به اعمال او رسیدگی کنند، مشکلی ندارد. نویسنده: کمیل صادقی

